

شهید مهندس مصطفی کریمی

نخبه فاطمیون

شهید مدافع حرم

نام: مهندس مصطفی کریمی (نخبه فاطمیون)

تحصیلات: مهندسی معماری

ولادت: ۸ آبان ۱۳۶۶ - قم

شهادت: ۲۵ مهر ۱۳۹۵ - اتریا، سوریه

مزار: بهشت معصومه (س) قم

شاخصه های شهید

← طراح و مبتکر خوش ذوق

← نخبه موفق مهندسی معماری

← ایده پرداز و طراح موزه جنگ کابل

← ورزشکار و قهرمان بین المللی

← شاگرد نمونه و برتر دوران و دانشگاه

← روحیه استکبار ستیزی

← شهامت و عزت نفس وفای به عهد با حضرت سیدالشهدا

برای دفاع از حرم

فرازی از وصیت نامه شهید

به دوستان بگویند که از حرم شهدای مدافع خبر بگیرید و سر بزنید که به حق حضرت زینب (س) و حضرت رقیه خودم شفاعت می کنم.

گواه این ارادت و ایمان هم جهادی است که از سال ها پیش تا امروز و دفاع از حرم آل الله در خانواده ما وجود داشته است. بارها پیش آمده بود که مصطفی با پدر که روحانی هستند درباره اسلام ناب محمدی صحبت می کرد و اعتراض داشتند که چرا بسیاری از مسائل دینی رعایت نمی شود. خیلی بحث می کرد و می گفت چرا آدمی را از خدا می ترسانند، خدا رحمان است و رحیم. خودمان می گوئیم بسم الله الرحمن الرحیم. خدا را به رحمان و رحیمیت باید معرفی کنیم. مصطفی دغدغه اسلام را داشت. می گفت شما باید درست خدا را تعریف کنید. خدا خیلی بزرگ تر و مهربان تر از اینهاست که شما به مردم معرفی می کنید. مصطفی در کارهایش و اموری که به ایشان سپرده می شد، بسیار جدی بود و در پروژه هایی که بر عهده می گرفت، با تمام همت و توان وقت می گذاشت. مهندس معماری که عاشق رشته اش بود. با توجه به اینکه مصطفی افغانستانی بود و به ما اجازه بسیجی شدن را نمی دادند اما مصطفی داوطلبانه در مدرسه فعالیت های بسیجی بسیاری انجام داده بود.

◀ شهید خانواده را در جریان اعزامش به سوریه قرار داده

بود؟

ما زیاد در جریان سفر مصطفی نبودیم. از رفتن صحبت می کرد اما ما صحبت هایش را به شوخی می گرفتیم و شوخی شوخی مصطفی شهید شد. شوخی هایی که با شهادتش به ما اثبات شد. می گفت می خواهم بروم و شهید شوم. می روم تا اسلام ناب محمدی را در حد و اندازه خودم به منصفه ظهور و عمل برسانم. اورفت تا پرچم اسلام را در آن سوی مرزها به اهتزاز درآورد. رفت تا رزمنده جبهه مقاومت اسلامی شود. مصطفی می گفت می خواهم بروم تا رهروی راه امام حسین (ع) باشم. وقتی متوجه شدیم که واقعاً می خواهد برود به پادگان محل آموزشی اش رفتیم که دیر شده بود و مصطفی اعزام شده بود. اولین اعزامش شهریور ۹۵ بود. مصطفی دوره های لازم نظامی را در ایران و سوریه سپری کرده بود. دوستانش می گویند مصطفی از لحاظ بدنی خیلی آمادگی داشت. اولین بار که زنگ زده بود گفت من می روم که از قافله جا نمانم. سه روز قبل از شهادتش هم به پدر زنگ می زد و حلالیت می طلبید و به پدر می گوید که خط ما شکست خورده و ما به عنوان نیروی داوطلبانه راهی شدیم تا به نیروهای دیگر کمک کنیم. پدر می گوید خیر است و خیلی با هم حرف های پدرا نه و پسرانه می زنند و در نهایت می گوید شما که رفتی ان شاء الله حلالیت باشد ما که از شما راضی هستیم. امیدوارم سالم پیش ما برگردی. مصطفی در آخری گوید دیگر من باز نمی گردم و شما من را نخواهید دید. خدا نگهدارتن.

آخرین زیارت اربعین

مادر شهید مصطفی کریمی گفت: نمی دانم مصطفی در پیاده روی اربعین چه قول و قراری با سیدالشهدا گذاشت که بعد از ۴۰ روز رفت سوریه، مدافع حرم شد و محرم بعدی هم به آرزویش رسید. برای مشاهده ادامه این فیلم نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.

